



دختران ایرانی چگونه همسرانی را می پسندند؟

دقت و تأمل در معیارهای مورد پسند خانمها که آشکارا ابراز شده تصویر جدیدی از جامعه ایران و دست کم آرزوهای جوانان ایرانی پیش چشم می گذارد.

دقت و تأمل در معیارهای مورد پسند خانمها که آشکارا ابراز شده تصویر جدیدی از جامعه ایران و دست کم آرزوهای جوانان ایرانی پیش چشم می گذارد.

به گزارش سلامت نیوز، عصر ایران نوشت: یک کانال تلگرامی به تبع یک مؤسسه همسریابی برای دوشیزگان و دخترخانمهای ازدواج نکرده و نیز خانمهای جدا شده از همسر قبلی یا خانم هایی که شوهرشان فوت کرده امکان تازه و مدرنی برای همسریابی فراهم آورده است.

این امکان که مشخصات ظاهری، خانوادگی، تحصیلی، محل زندگی و علایق و سلیق خود را به اضافه مشخصاتی که در همسر مورد نظر جست و جو می کنند ذکر کنند تا از این رهگذار احتمال ازدواج آنان افزایش یابد و خانواده هایی تشکیل شود.

واکنش برخی نهادهای مسوول یا مدعی البته این است که تنها یک سایت مشخص اجازه دارد و بقیه ندارند و گمان می برند که همچنان می توان فضای کنترلی را ادامه داد یا دخترانی که دوست دارند شوهر کنند، مادر شوند و زندگی تازه ای را تجربه کنند و غالباً هم سی سالگی را پشت سر گذاشته اند کماکان باید منتظر بمانند تا یکی کوبه در خانه شان را به صدا درآورد اما کانال مورد نظر البته به قاعده با هماهنگی ها و جلب موافقت هایی این امکان تازه را فراهم ساخته است.

جدای این که چنین امکان و رویکردی یک تحول بزرگ و بی سابقه به حساب می آید دقت و تأمل در معیارهای مورد پسند خانمها که آشکارا ابراز شده تصویر جدیدی از جامعه ایران و دست کم آرزوهای جوانان ایرانی پیش چشم می گذارد که به کار جامعه شناسان، روان شناسان، سیاست مداران، روحانیان، پژوهشگران، فیلم نامه نویسان و هر که با موضوع انسان در دنیای عصر ارتباطات سر و کار دارد، می آید.

با این که شاید در نگاه اول تصور شود در جامعه پول زده کنونی و با غلبه ارزش های مادی - به رغم همه داعیه های معنویت گرایی از تریبون های رسمی و صدا و سیما - نخستین مشخصه مورد علاقه زنان خواستگار یا آماده ازدواج پول و تمکن باشد اما نگاهی به همین فهرست نشان می دهد که اتفاقاً اولویت دختران آماده ازدواج پول نیست.

یادمان باشد اینها مصاحبه تلویزیونی نیست که سخنان تظاهر آمیز بیان کنند. صحبت از یک عمر زندگی و انتخاب همسر است.

وقتی تصویر خود را - البته به شکل متعارف و همان گونه که در خیابان و دانشگاه و محل کار ظاهر می شوند- منتشر کرده اند و تمایل خود را به همسر یابی پنهان نمی کنند به قاعده ابایی هم نباید داشته باشند که بگویند شوهر پول دار می خواهند و ضرب المثل قدیمی را به یادآورند که «مرد باید پول دار باشه، کچل و بد اخلاق!»

شاید گفته شود علت این است که اولاً کسانی که آمادگی خود را برای ازدواج اعلام کرده و ریسک طعنه های احتمالی را به جان خریده اند طبعاً نباید شرطی بگذارند که کار را مشکل کند ثانیاً آدم پول دار چه بسا از طرق دیگری بتواند همسر اختیار کند و سراغ این گونه مراکز و موسسات و کانال ها نرود و سوم هم این که با نگاه بدبینانه برای پول شرط نمی گذارند اما بعدتر مطالبه می کنند.

با این حال برخی دوشیزگان و خانم هایی که اجازه انتشار فرم های خود را در این کانال داده اند هوش مندانه به مقوله تمکن مالی هم اشاره کرده اند و می بینیم کسی اقامت در شمیران را در زمره شرایط خود قید کرده یا دیگرانی نیز بر توان تأمین نیازهای زندگی تاکید دارند و به بیان دیگر رودربایستی ندارند.

نگاهی به مشخصات مورد نظر در غالب فایل ها نشان می دهد این خانم ها بیش از هر موضوع دیگری بر «صداقت» تاکید دارند. همچنین بر «مسوولیت پذیری» و « اخلاق خوش». تفاوت جدی معیارها و پسندهای این نسل اما با نسل های قبل شاید در این باشد که بسیاری همسری را می پسندند که «اهل سفر» و «تفریح» باشد.

اینها ارزش های بسیار مدرنی هستند و بسیار بعید است که مادران و مادر بزرگ های ما در میان خصوصیاتی که برای شوهران

خود می خواستند یا می جُستند یا اگر هم بیان نمی کردند در ذهن داشتند سفر و تفریح را هم می آوردند و نهایت آرزوی بندگان خدا شاید یک زیارت بود.

نکته دیگر هم توجه صریح به «ظاهر» است. چندان که شیک پوشی، اندام مناسب و خوش سیمایی و قد و قامت بالا در بسیاری از موارد آمده است.

از زاویه دیگری هم می توان نگاه کرد و از خلال این موارد از علایق جامعه بزرگ ترخانم های امروزی هم آگاه شد و در پی آن به راز برخی از جدایی ها، طلاق ها، ناسازگاری ها و نارضایتی ها هم پی بُرد.

مثلا وقتی این همه بر ظاهر و آراستگی و شادی و سرزندگی و اهل سفر و تفریح بودن تأکید می شود به این معنی است که ریشه برخی نارضایتی ها را قطعاً باید در فقدان همین مؤلفه ها جُست.

کانال خواستگاری بانوان که در آن دختران و دوشیزگان و حتی خانم های مطلقه مشخصات خود را برای ازدواج اعلام می کنند به شکلی غیر قابل انکار و کاملاً مستند از پوست اندازی جامعه خبر می دهد و این که شماری از پرورش یافتگان دستگاه عریض آموزش و پرورش و مخاطبان تربیون های رسمی با معیارهایی متفاوت از آموزش های رسمی به زندگی نگاه می کنند.

تحلیل ها و تفسیرهای متفاوتی درباره این پدیده می توان ارایه داد اما ملموس ترین آنها همین حس زندگی دوستی و لذت بردن و امکان انتخاب است. آیا گذار زمان دختران ایرانی را واقع بین تر کرده و به ارزش زندگی واقعی و استفاده از فرصت گذرا و زندگی در لحظه را بر شرایطی که شاید هیچ گاه تحقق نیابد و فرصت زندگی مشترک و یافتن همسر را برای همیشه از آنان بگیرد بیش از پیش واقف شده اند و از این رو به شرایط حداقلی و ظاهری هم تن داده اند یا داستان را به گونه ای دیگر باید نگریست و این گروه را نباید نماینده همه دانست؟